

داستان پیامبران و منقبت امامان شیعه علیهم السلام

در دیوان امام خمینی علیه السلام

دکتر محمد فولادی*

چکیده

در این مقاله، پس از اشارتی به شاعران منقبت‌گوی اهل بیت در شعر عرب و عجم، به جنبه‌های ادبی اشعار امام خمینی علیه السلام و تأثیر پذیری اش از شاعران بزرگ پارسی پرداخته شده و سپس داستان پیامبران و مضامین قرآنی و روایی و مناقب امامان شیعه علیهم السلام در دیوان امام بررسی شده است.

امام خمینی در دیوان اشعار خود با نگاهی ادبی، عرفانی و قرآنی به داستان پیامبران، مضامین و تصاویر زیبایی آفریده است.

داستان آدم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، یوسف علیه السلام، نوح علیه السلام، سلیمان علیه السلام، خضر علیه السلام، داوود علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و منقبت امامان معصوم و اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام زمان علیه السلام در دیوان امام خمینی بازتاب یافته است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، قرآن کریم، داستان پیامبران، مناقب امامان شیعه و اهل بیت.

* استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم.

مقدمه

داستان پیامبران علیهم‌السلام و منقبت امامان معصوم و خاندان پاک عصمت و طهارت علیهم‌السلام جایگاه ویژه‌ای در شعر عرب و عجم دارد. در شعر عرب، شاعرانی بزرگ مانند حسان ثابت انصاری، فرزدق و دعبیل خزایی به مدح و منقبت‌گویی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام سجاده علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام پرداخته‌اند. در ادبیات فارسی نیز از آغازین روزهای پیدایش شعر پارسی تا کنون، این موضوع در شعر شاعران سترگی مانند کسایی مروزی، فردوسی توسی، ناصر خسرو قبادیانی بلخی، عطار نیشابوری، مولوی بلخی و محتشم کاشانی بازتاب یافته است. هر یک از آنان با نگاه خود و از زاویه دیدی مخصوص به این موضوع پرداخته‌اند. امام خمینی نیز - که علاوه بر جنبه فقهات، مرجعیت شیعه، رهبری دینی و دنیایی مردم و سیاست و کشورداری، هنر شاعری نیز داشته‌اند - در سروده‌های خود به داستان پیامبران علیهم‌السلام و قصص قرآنی توجه فراوانی کرده و از این مضمون در تصاویر شعری بهره گرفته و به مدح و منقبت امامان معصوم علیهم‌السلام و امام‌زادگانی مانند حضرت معصومه علیه‌السلام اشاره کرده است. در این مقاله، داستان پیامبران علیهم‌السلام و مدح و منقبت امامان شیعه که در دیوان امام بازتاب یافته، بیان می‌گردد.

همان‌گونه که اشاره شد، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه شخصیتی چند بُعدی داشتند. پیش از رحلت حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و انتشار غزل معروف و دل‌نشین و فراموش‌نشدنی «من به خال لب ای دوست گرفتار شدم»، کمتر کسی می‌دانست که آن فقیه و عارف و سیاستمدار بزرگ، در خلوت تنهایی و لحظه‌های عرفانی خود شعر را زبان قال و مقال و حال و مقام خود قرار داده و در کنار آن همه خوبی‌ها، به هنر شعر و شاعری نیز آراسته است.

با نگاهی گذرا به دیوان امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، درمی‌یابیم که در اشعار ایشان نشانه‌های آشنایی با شاعران بزرگ پارسی، مانند سعدی و حافظ و مولوی، کاملاً نمایان است.

اصطلاحات اهل عرفان و شاعران اهل تصوف و عرفان جایگاه خاصی در اشعار امام خمینی دارد و واژه‌های خال، لب، ساقی، جام و شراب حکایت از آشنایی ایشان با اصطلاحات شعر عرفانی دارد. او سرمست باده معرفت الهی بود و جهان را با دیدی عارفانه می‌دید و وصف می‌کرد.

علاوه بر کاربرد اصطلاحات عرفانی، ترکیب‌هایی زیبا و گزیده در دیوان امام خمینی وجود دارد که برای نمونه به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

حافظ شیرازی:

بلبل به شاخ سرو به گلبنگ پهلوی می‌خواند دوش درس مقامات معنوی
یعنی بیا که آتش موسی نمود گل تا از درخت نکته توحید بشنوی

(حافظ، ۱۳۶۸، ص ۳۳۶)

امام خمینی:

بلبل به شاخ سرو در آواز دل فریب بر دل نوید سرو قد گل‌عذار داد

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۷۵)

کلمه‌ها و ترکیب‌های پرده‌پندار، پرتو حسن، پیر مغان، محتسب، ننگ و نام، برخی (قربانی) و خدنگ و اندیشه‌های ملامتی و مبارزه با ریا و سالوس، که در شعر حافظ جایگاه خاصی دارد، در شعر امام خمینی نیز به شکل پرنگی بازتاب یافته است:

سعدی علیه السلام:

یک امشب‌ی که در آغوش شاهد شکر

گرم چو عود بر آتش نهند غم نخورم

ببند یک نفس ای آسمان در بچه صبح

بر آفتاب که امشب خوش است با قمرم

(سعدی، ۱۳۷۱، ص ۶۲۳)

امام خمینی علیه السلام:

یک امشب‌ی که با منی از راه لطف و مهر

جبران شود بقیه عمر ار بود فسوس

یک امشب‌ی که در آغوش ماه تابانم

ز هر چه در دو جهان است روی گردانم

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۶)

یا رب ببند بر رخ خورشید راه صبح

در خواب کن مؤذن و در خاک کن خروس

(پیشین، ص ۱۲۸)

حافظ:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

(حافظ، ۱۳۶۸، ص ۱۷۶)

امام خمینی:

پرتو حسنت به جان افتاد و آن را نیست کرد

عشق آمد دردها را هر چه بُد درمان نمود

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۵)

بازتاب آیات قرآن و احادیث در دیوان امام خمینی

دیوان امام خمینی، مشحون است از تأثیرپذیری از آیات قرآن و روایات. اکنون به شکل گذرا، به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم.

مضامین روایات «الفقر فخری»، «الهی کفی بی عزاً ان اکون لک عبداً»،

«لایبلغ مدحته القائلون»، «العلم حجاب اکبر»، «اغتنم خمساً قبل

خمس»، «شبابک قبل حرمک...»، «من عرف الله کل لسانه»، «ما عرفناک حق

معرفتک»، «خمرت طینه آدم بیدی اربعین صباحاً»، «كنت كنزاً مخفياً» و «حسنت الابرار سیئات المقرّین» در دیوان امام خمینی به شکل گسترده‌ای بازتاب یافته است.

مضامین و ترکیبات قرآنی نیز در دیوان حضرت امام خمینی رحمته الله علیه بازتاب خاصی دارد؛ از جمله «هو الظاهر و الباطن»، «الست بربکم»، «ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی»، «یوم تبلی السرائر»، «نحن اقرب الیه من حبل الوریث»، «ارم ذات العماد»، «لمن الملك الیوم لله الواحد القهار»، «یا ایها النفس المطمئنه»، «یحبهم و یحبونه»، «ان اوهن البیت لبیت العنکبوت»، «اینما تولّوا فثم وجه الله»، «کلّ له قاتون»، و «سقاھم ربهم شراباً طهوراً»، «جنت»، «حسور و قصور»، «عالم الست»، «علم الاسماء»، «رضوان»، «ظلوم و جهول»، «فردوس»، «خلد»، «بار امانت»، «ساقی»، «قاب قوسین»، «طیر بهشت»، «تار عنکبوت»، «سدره»، «کوثر»، «لیلة القدر»، «ارم» و «دارالسلام».

پیامبران و ائمة اطهار علیهم السلام در دیوان امام خمینی رحمته الله علیه

داستان پیامبران علیهم السلام که موضوع مشترکی بین شیعه و اهل سنت است، در دیوان امام خمینی رحمته الله علیه جایگاه خاصی دارد اما مضامین مطرح شده در این دیوان بیشتر بر مذاق شیعه سازگار است و دیدگاه‌های شیعی امام خمینی را نسبت به تفاسیر و موضوع‌های مربوط به پیامبران علیهم السلام در قرآن نشان می‌دهد و بیشتر با مشرب عرفانی امام خمینی که مشربی است مطابق عرفان شیعی، تناسب دارد. به عنوان نمونه، می‌توان به رابطه حضرت عیسی علیه السلام و امام عصر (عج) اشاره کرد که پس از این خواهد آمد.

حضرت آدم علیه السلام

آفرینش حضرت آدم علیه السلام و سکونت وی در بهشت و رانده شدنش از بهشت، اغوا و دشمنی شیطان، غرور ابلیس و سجده نکردن بر آدم و رانده شدن او از درگاه قرب ربوبی، ادامه دشمنی شیطان با آدم در دنیا و تعلیم اسماء، از موضوع‌هایی است که در ادب فارسی بازتاب خاصی دارد و شاعران به شیوه‌ها و مناسبت‌های گوناگون، جلوه‌هایی از این قصه قرآنی را تجلی داده‌اند و با خلق تصاویر شعری و هنرمندانه به زیبایی آن افزوده‌اند. در دیوان امام خمینی رحمه الله نیز این موضوع بازتاب یافته و در خدمت مضامین عرفانی قرار گرفته است.

ابتدا، برخی از آیات مربوط به داستان آدم علیه السلام را می‌آوریم و سپس به اشعار حضرت امام خمینی رحمه الله می‌پردازیم.

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (سوره ص، آیه ۷۱-۷۲)، ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ (سوره حجر، آیه ۳۰-۳۱)، ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ (سوره ص، آیه ۷۶)، ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ * فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ (سوره بقره، آیه ۳۵-۳۶)

از جمله اشعار امام خمینی که در آن به داستان حضرت آدم علیه السلام اشاره شده، غزل «پرتو حسن» است. در این غزل، امام خمینی بیان می‌کند که اغوای شیطان به ضرر بنی آدم بود و شیطان فکر کرد با بیرون راندن آدم از بهشت به او زیان می‌رساند؛ اما این رانده شدن از بهشت، منجر به وابستگی بیشتر آدمی زاده به حضرت حق شد و آدم در آتش هجران سوخت و پخته شد و آدمی در این دنیا به قول مولانا جلال‌الدین، مانند نی ای است که از نیستان جدا شده و از فراق یار می‌نالد و به یاد حق می‌افتد:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از جدایی‌ها شکایت می‌کند
کز نیستان تا مرا ببریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

(مرلوی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱)

شیطان باعث شد آدمی زاده از فردوس دور شود؛ اما عشق، پیر پرواز آدمی
شد و او را از ملک و مَلک فراتر برد:

خواست شیطان بد کند با من ولی احسان نمود

از بس هشتم برد بیرون بستۀ جانان نمود

خواست از فردوس بیرونم کند، خوارم کند

عشق پیدا گشت و از مُلک و مَلک پران نمود

ساقی آمد تا ز جام باده بی‌هوشم کند

بی‌هشی از ملک بیرونم نمود و جان نمود

پرتو حسنت به جان افتاد و آن را نیست کرد

عشق آمد دردها را هر چه بُد درمان نمود

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۵)

امام خمینی در غزل «دریای هستی» نیز موضوع آدم و تعلیم اسماء و بیرون
شدن از بهشت را مطرح کرده و تقریباً مضمون غزل پیش را یادآور شده است.

جالب این است که در این غزل، مانند مشرب برخی عارفان، نگاه به شیطان
چندان منفی نیست و حتی وجود او باعث پیشرفت و تعالی انسان نیز دانسته شده

و با بیانی هنرمندانه گفته شده که اگر شیطان نبود و انسان از بهشت رانده نمی‌شد
و هجران نمی‌کشید، عشق و اهمیت آن فهمیده نمی‌شد:

زاده اسماء را با جنة المأوی چه کاری

در چم فردوس می‌ماندم اگر شیطان نبودی

(پیشین، ص ۱۸۰)

سروده بالا، ناظر به آیات زیر است:

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ قَالَوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ...﴾ (سوره بقره، آیه ۳۱-۳۳)

از ملک پرواز کن و از ملک هستی رخت بریند

نیست آدم زاده آن کس کز ملک پران نبودی

عاشقم عاشق که درد عشق را جز او نداند

غرق بحر عشقم و چون نوح پشتیبان نبودی

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۰)

عشق مانند کشتی نوح، نجات‌بخش آدمی در این دنیای خاکی است و از

شیطان هم کاری بر نمی‌آید.

موضوع تعلیم اسماء به آدم و اهمیت عشق در این دنیا - که هستی ناقص انسان

را از او می‌گیرد و به نیستی می‌کشاند و پس از فناء فی الله، به بقاء بالله می‌رساند -

در غزل‌های دیگر امام خمینی نیز آمده است:

نیستی را برگزین ای دوست اندر راه عشق

رنگ هستی هر که بر رخ دارد آدم‌زاده نیست

(پیشین، ص ۷۰)

گر تو آدم‌زاده هستی «علم الاسماء» چه شد

«قاب قوسینت» کجا رفته است، «او ادنی» چه شد

(پیشین، ص ۹۴)

سروده بالا علاوه بر موضوع آیه تعلیم اسماء، به سوره نجم نیز اشاره دارد.

امام خمینی در قصیده «نورین نیرین» که در مدح فاطمه زهرا و فاطمه

معصومه علیها السلام سروده است، به قیاس ابلیس اشاره دارد که خود را آفریده شده از

آتش می دانست و آدم علیه السلام را از خاک:

شیطان عالم شدی اگر که بدین نور ناگفتی آدم است خاک و من آذر

(بیشین، ص ۲۵۴)

سروده فوق برگرفته از این آیه است: ﴿مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۲)

وی در این قصیده شیوا، به زیبایی این دو نور را ستوده است که به چند بیت

آن اشاره می کنیم:

ای از لیت به تربت تو مخمّر

وی ابدیت به طلعت تو مقرر

وین نه عجب زانکه نور اوست ز زهرا

نور وی از حیدر است و او ز پیمبر

وز وی تابان شده به حضرت زهرا

اینک شاهر شده ز دخت موسی جعفر

خاک قم این کرده از شرافت جنت

آب مدینه نموده آن یک، کوثر

امام خمینی در شعری که در قالب مسمط آمده، آدم علیه السلام را نمود آغاز دانسته و

او را همراه عیسی علیه السلام آورده و بیان داشته اگر امام عصر (عج) پیش از آدم علیه السلام و

عیسی علیه السلام متولد می شد، فرمان او بر همه مقرر و ثابت بود:

روزگارش گرچه از پیشینیان بودی مؤخر

لیک از آدم بدی فرمانش تا عیسی مقرر

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۲۷۷)

امام خمینی در سروده بالا و در قصیده «نورین نیرین» - که پیش از این بدان

اشاره شد - در مدح اکثر امامان اشاره های زیبایی دارد و به مناقب آنان می پردازد.

حضرت موسی علیه السلام

در دیوان امام خمینی، بین قصه‌های قرآنی، داستان موسی علیه السلام نمود بیشتری نسبت به قصص دیگر انبیا دارد.

موضوع تجلی رب بر کوه طور در وعده‌گاه او با خداوند و فروریختن کوه که در دیوان امام انعکاس یافته در قرآن کریم نیز در سوره‌های گوناگون بیان شده است. امام خمینی با دیدی عرفانی و با توجه به تجلی خداوندی به موسی علیه السلام، جهان را تجلی‌گاه لطف الهی می‌داند:

عیب از ماست اگر دوست ز ما مستور است

دیده بگشای که بینی همه عالم طور است

لاف کم زن که نبیند رخ خورشید جهان

چشم خفاش که از دیدن نوری کور است

یا رب این پرده پندار که در دیده ماست

باز کن تا که ببینیم همه عالم نور است

لب فرو بست هر آن کس رخ چون ماهش دید

آن که مدحت کند از گفته خود مسرور است

وقت آن است که بنشینم و دم در نزنم

به همه کون و مکان مدحت او مسطور است

(پیشین، ص ۵۲)

در دیدگاه عرفانی ایشان، جهان تجلی و انعکاس ذات اقدس خداوندی است و تکثرات و تعینات عالم با همه زیبایی‌ها و گوناگونی‌هایش از نور واحد ربانی سرچشمه می‌گیرد. این دیدگاه با داستان تجلی خداوند بر کوه بسیار تناسب دارد. این موضوع در قرآن این‌گونه بیان شده است:

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَن نَرَاكَ وَلَكِن

انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَوَّ مَوْسَى
 صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿سورة اعراف، آیه ۱۴۳﴾
 ﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى *
 وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
 لِذِكْرِي﴾ (سورة طه، آیه ۱۱-۱۴)

امام خمینی رحمته الله در جای دیگر از «طور دل» سخن گفته و بر این باور است که
 کوه طور برای ما وجود ندارد و آن را ندیده ایم تا تجلیات ربّانی را مشاهده کنیم؛
 اما «طور دل»، حریم و حرم الهی و برتر از کوه طور است و گنجایش تجلیات
 رحمانی را دارد:

گر طور ندیدم و نخواهم دیدن در طور دل از تو جای پایی خواهم
 بردار حجاب از رخ، ای دلبر حسن در ظلمت شب راهنمایی خواهم
 در جان منی و می نیابم رخ تو در کنز عیان، کنز خفایی خواهم
 (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱)

در این ابیات، علاوه بر اشاره به آیات قرآنی مربوط به تجلی رحمانی بر کوه،
 مضامین برخی از روایات نیز وجود دارد که در پی بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

لا یسعی ارضی و لاسمائی و یسعی قبل عبدی المؤمن. (فروزانفر، ۱۳۷۰، ص ۲۶)
 قال داوود عليه السلام یا ربّ لماذا خلقت الخلق، قال كنت كنزاً مخفياً فاحببت ان
 اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف. (بیشین، ص ۲۹)

سروده فوق، ناظر به آیه ﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (سورة ق، آیه ۱۶) نیز
 هست.

دوست نزدیک‌تر از من به من است وینت مشکل که من از وی دورم
 چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم
 (سعدی، ۱۳۷۷، ص ۹۰)

بیدلی در همه احوال خدا با او بود او نمی دیدش و از دور خدایا می‌کرد

(حافظ، ۱۳۶۸، ص ۱۴۲)

امام خمینی در سروده‌های دیگرش نیز به موضوع تجلی اشاره کرده است:

پاره کن پرده انوار میان من و خود

تا کند جلوه رخ ماه تو اندر دل من

جلوه کن در جبل قلب من ای یار عزیز

تا چو موسی بشود زنده دل غافل من

در سراپای دو عالم رخ او جلوه گر است

که کند پوچ همه زندگی باطل من

بیت اخیر به این آیه نیز اشاره دارد: ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ

اللَّهِ...﴾ (سوره بقره، آیه ۱۱۵)

طور سینا را بگو ایام صعق آخر رسید موسی حق در پی فرعون باطل آمده

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸)

موسی نشده کلیم کی خواهی شد در طور رهش مقیم کی خواهی شد

تا جلوه حق، تو را ز خود نرهاند با یار ازل ندیم کی خواهی شد

(پیشین، ص ۲۰۸)

تا جلوه او جبال را دگ نکند تا صعق تو را ز خویش منک نکند

پیوسته خطاب لن ترانی شنوی فانی شو تا خود از تو منفک نکند

(پیشین، ص ۲۱۰)

ای دوست مرا خدمت پیری برسان فریاد رسا به دستگیری برسان

طور است هوس در این ره دور و دراز یاری کن و یار خوش ضمیری برسان

با همین دید عرفانی است که امام خمینی به سالک راه توصیه می‌کند مانند

موسی باید از طور سینای دل سلوک کند و به «پرتو حسن» الهی برسد، نه مانند

ابن سینا از راه برهان حیرت افزا:

ابن سینا را بگو در طور سینا ره نیافت

آنکه از برهان حیرت ساز تو حیران نمود

(پیشین، ص ۱۱۵)

موضوع دیگر، سخن گفتن خداوند از طریق درخت در «وادی ایمن» و «أئی انا الله گفتن» حق به وسیله درخت با موسی است که از مضامین مورد توجه اهل عرفان است. شیخ محمود شبستری در کتاب گلشن راز در دفاع از «انا الحق» گفتن حلاج سروده است:

روا باشد انا الحق از درختی چرا نبود روا از نیک بختی

(لاهیجی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۶)

حافظ نیز سروده است:

یعنی بیا که آتش موسی نمود گل تا از درخت، نکته توحید بشنوی

(حافظ، ۱۳۶۸، ص ۴۸۶)

امام خمینی نیز سروده است:

ایمنی نیست در این وادی ایمن ما را
من در این وادی ایمن شجری می جویم

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹)

موسی اگر ندید به شاخ شجر رخس بی شک درخت معرفتش را ثمر نبود

(پیشین، ص ۱۰۷)

عصای موسی و تبدیل شدن آن به صورت اعجاز الهی به ماری بلعنده که

همراه با موضوع پیش در آیات زیر آمده:

﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ * وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ

يُعَقَّبُ يَا مُوسَى أَقْبَلْ وَلَا تَخَفْ... ﴿ (سوره قصص، آیه ۳۰-۳۱)

در این سروده امام خمینی تجلی نموده است:

موسی به کف دارد عصا، دربانیش را منتظر

آماده بهر اقتدا عیسی به چرخ چارمین

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۱)

حضرت عیسی علیه السلام

در قرآن کریم، داستان حضرت مسیح علیه السلام در موارد گوناگون آمده است؛ از جمله:

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ * وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ * قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾ (سوره آل عمران، آیه ۴۴-۴۶)

﴿أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (پیشین،

آیه ۴۸)

﴿وَأُبرئ الأكمه والأبرص وأخبي الموتى بإذن الله﴾ (پیشین)

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ...﴾ (سوره نساء، آیه ۱۵۷)

امام خمینی در سروده‌های زیر، به دم مسیحایی حضرت عیسی علیه السلام اشاره

کرده است:

بسنده عشق مسیحادم آن دلدارم که به یمن قدمش هستی من دود نمود

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۴)

گویی از کوچه میخانه گذر کرده مسیح که به درگاه خداوند بلند آوا شد

(پیشین، ص ۸۹)

وی در توصیف حضرت ولی عصر (عج)، سروده‌ای دارد که در آن، از حضرت عیسی علیه السلام در آسمان چهارم اشارت رفته و از دم عیسوی که مشکل‌گشای انسان‌ها است، سخن گفته شده است:

موسی به کف دارد عصا دربانیش را منتظر

آماده بهر اقتدا عیسی به چرخ چارمین

دلبر مشکل‌گشا از بسام چرخ چارمین

با دم عیسی برای حل مشکل آمده

عیسی مریم به پیشگاهش دربان

موسی عمران به بارگاهش چاکر

(پیشین، ص ۲۶۱، ۱۷۸، ۲۵۵)

امام خمینی با انتقاد از کلیسایی که در خدمت ستمگران است، حضرت

عیسی علیه السلام را از این کلیسا بیزار می‌داند.

زین کلیسای که در خدمت جبّاران است

عیسی مریم از آن خود شده بیزار برو

(پیشین، ص ۱۷۶)

حضرت ابراهیم علیه السلام

در قرآن کریم آمده است: ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ

لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾ (سوره انعام، آیه ۷۶)

امام خمینی در این باره چنین سروده است:

زد خلیل، عالم چون شمس و قمر را به کنار

جلوه دوست نباشد چو من و آفل من

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴)

ای دور نمای پور آزر / نادیده افول حق ز منظر

(پیشین، ص ۲۹۰)

بیت فوق، علاوه بر اشاره به مسئله «لا احب الالفین»، به آیه زیر نیز اشاره دارد: ﴿وَادْكُزْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا﴾ * اِذْ قَالَ لِاَبِيهِ يَا اَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا﴾ (سوره مريم، آیه ۴۱-۴۲)

بت پرستان، حضرت ابراهیم علیه السلام را به آتش افکندند؛ اما آتش به امر خداوند، گلستان شد: ﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيمَ﴾ (سوره انبياء، آیه ۶۹)

در آتش عشق تو خلیلانه خزیدیم / در مسلخ عشاق تو فرزانه و فردیم

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱)

ساقی از جام جهان تاب به جان عاشق / آنچه با جان خلیل آتش نمرود نمود

(پیشین، ص ۱۱۴)

با عشق رخت خلیل را ناری نیست / جوای تو با فرشته اش کاری نیست

(پیشین، ص ۳۱۳)

آتشی را که ز عشقش به دل و جانم زد

جانم از خویش گذر کرد و خلیل آسا شد

(پیشین، ص ۸۸)

حضرت یوسف علیه السلام

داستان حضرت یوسف علیه السلام که خداوند در قرآن کریم از آن به «احسن القصص» تعبیر کرده، از مضامینی است که مورد توجه ویژه شاعران قرار گرفته است و در دیوان امام نیز بازتاب دارد.

حسادت برادران یوسف علیه السلام، به چاه افکندن حضرت یوسف علیه السلام، جمال صورت و سیرت آن حضرت، شیفته شدن زلیخا و زنان مصر بر جمال آن حضرت، عصمت و پاکدامنی آن حضرت، دوری یوسف از پدر و گریه یعقوب بر

فراق پسر، از جمله نمونه‌های این داستان در قرآن هستند:

﴿قَلَمًا ذَهَبًا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (سوره یوسف، آیه ۱۵)

﴿وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (پیشین، آیه ۱۹)

یوسفا از چاه بیرون آی تا شاهی نمایی

گرچه از این چاه بیرون آمدن آسان نبود

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۰)

﴿وَرَأَوْدَتْهُ آلِيهُ هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (سوره یوسف، آیه ۲۳)

معجز عشق ندانی تو، زلیخا داند

که برش یوسف محبوب چنان زیبا شد

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۹)

یوسفی باید که در دام زلیخا دل بنازد

ورنه خورشید و کواکب در برش مفتون نبود

(پیشین، ص ۱۸۹)

﴿يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَجَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَّأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (سوره یوسف، آیه ۸۷)

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

(حافظ، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸)

دلدار من چو یوسف گم‌گشته بازگشت

کنعان مرا ز روی دل ملتهب رسید

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۹)

﴿أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَثُورِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ﴾

(سوره یوسف، آیه ۹۳)

﴿وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تَفْتَدُون﴾ (پیشین، آیه ۹۴)

یوسفم گر نزند بر سر بالینم سر

همچو یعقوب دل آشفته بوبش باشم

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳)

حضرت نوح علیه السلام

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا اجْمَلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ۖ وَقَالَ اذْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ جَعَزَآهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ... قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ...﴾ (سوره هود، آیه ۴۰-۴۸)

در دیوان امام خمینی، داستان حضرت نوح علیه السلام بیشتر درباره جریان طوفان نوح بازتاب یافته است. کشتی نوح، نجات‌بخش است و حضرت نوح از این جهت که بهترین کشتی‌بان و ناخدا است و می‌تواند کشتی را به ساحل امن و نجات برساند، مورد توجه امام خمینی در اشعار بوده است:

غم مخور ای غرق دریای مصیبت غم مخور

در نجات نوح کشتییان به ساحل آمده

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸)

عاشقم عاشق که درد عشق را جز او نداند

غرق بحر عشقم و چون پشتییان بودی

(پیشین، ص ۱۸۰)

از سرشکم گر به پا خیزد ز نو طوفان نوح

ای خدایا ناخدا اندر میانه رهبر است

(پیشین، ص ۲۹۸)

امام در قصیده هنرمندانه «بهاریه انتظار» که در مدح حضرت مهدی علیه السلام، سروده، دوستی امام زمان (عج) را با بیانی شاعرانه و هنرمندانه، از کشتی نوح برتر دانسته است:

مهدی امام منتظر نوباوه خیرالبشر

خلق دو عالم سر به سر بر خوان احسانش نگین

مرآت ذات کبریا، مشکوة انوار هدی

مستظور بعث انبیا، مقصود خلق عالمین

امرش قضا، حکمش قدر، حبش جنان، بغضش سقر

خاک رهش زبید اگر، بر طره ساید حور عین

ذاتش به امر دادگر، شد منبع فیض بشر

خیل ملائک سر به سر در بند الطافش رهین

حبش سفینه نوح آمد در مثل لیکن اگر

مهرش نبودی نوح را، می بود در طوفان قرین

نوح و خلیل و بوالبشر، ادریس و داوود و پسر

از ابر فیضش مستمداً از کان علمش مستعین

(پیشین، ص ۲۶۰-۲۶۱)

حضرت سلیمان علیه السلام

در قرآن، داستان سلیمان علیه السلام نموده‌های گوناگونی دارد؛ از جمله: سلیمان علیه السلام و مور و وادی الثمل، تخت سلیمان علیه السلام، منطق الطیر و سخن گفتن با پرندگان،

تسخیر باد و جن و موجودات دیگر، فرّ سلیمانی، داستان بلقیس و دعوت او به توحید، امام خمینی نیز در سروده‌هایش از این موضوع‌ها بهره گرفته است.

﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُ الْفَضْلُ الْمُبِينُ * وَخَشِيَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ (سوره نمل، آیه ۱۶-۱۷)

﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَاب﴾ (سوره ص، آیه ۳۶)

عید خم با حشمت و فرّ سلیمانی بیامد

که نهادم بر سر از میلاد شه تاج کیانی

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۵)

سخن از تخت سلیمان و جام جم نزنید

که تاج خسرو کی را من گدا دارم

(پیشین، ص ۱۴۸)

بساط چون تو سلیمان و کلبه درویش

نعود بالله گویی از اشتباه تو شد

(پیشین، ص ۹۲)

در بیت فوق که در غزل «نسیم عشق» آمده، و از تخت سلیمان سخن رفته،

نسیم و حکومت عشق از همه چیز برتر دانسته شده است.

﴿... قَالَتْ مَلَأَ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اذْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ * فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ...﴾ (سوره نمل،

آیه ۱۸-۱۹)

گر سلیمان بر غم مور ضعیفی رحمت آرد

در بر صاحب‌دلان والای و سرافراز گردد

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۷۶)

طوطی صفتی و لاف عرفان بزنی

ای مور دم از تخت سلیمان بزنی

(پیشین، ص ۲۴۷)

فاطی که ز من نامه عرفانی خواست

از مورچه‌ای تخت سلیمانی خواست

(پیشین، ص ۱۹۶)

بلقیس وار گر در عشقش نمی‌زدیم

ما را به بارگاه سلیمان گذر نبود

(پیشین، ص ۱۰۷)

حضرت خضر علیه السلام

نام حضرت خضر علیه السلام در قرآن نیامده است؛ اما مفسران، نام همراه حضرت موسی علیه السلام و پیر راه طریقت او را که در سوره کُهِف از او سخن گفته شده است، حضرت خضر علیه السلام دانسته‌اند. در ادبیات عرفانی، خضر، نمود سالک و اصل و راهنمای طریقت است. خضر، سالکان طریقت حق را از گمراهی می‌رهاند و به سرچشمه آب حیات و زندگی جاویدان می‌رساند. از این جهت، لزوم وجود پیر در طریقت و لزوم طاعت محض از پیر عارف و اصل، از اصول اهل طریقت و حقیقت است.

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا﴾ * قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا * قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿﴾

(سوره کُهِف، آیه ۶۵-۶۷)

دستگیری کنم ای خضر که در این ظلمات

پی سرچشمه آب حیوان آمده‌ام

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹)

چه شد که امشب از این جا گذارگاه تو شد

مگر که آه من خسته خضر راه تو شد

(پیشین، ص ۹۲)

حضرت داوود علیه السلام

نغمه دلنشین حضرت داوود علیه السلام معروف است. این موضوع در داستان آن حضرت در قرآن اشاره شده و مورد توجه شاعران، از جمله امام خمینی بوده است.

﴿وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (سوره انبیاء، آیه ۷۹)

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ اِعْمَلْ

سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (سوره سبأ، آیه ۱۰-۱۱)

بلبل از جلوه گل نغمه داوود نمود

نغمه‌اش درد دل غمزده بهبود نمود

(امام خمینی، ۱۳۷۲: ص ۱۱۴)

داوود وار نغمه زنان ساغری بیار

غافل ز درد جاه و نشیب و فراز کن

(پیشین، ص ۱۷۱)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

سیمای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که قرآن بر قلب نازنین ایشان نازل شده است، نمود خاصی در قرآن دارد و در دیوان امام خمینی نیز بازتاب یافته است. در غزلیات امام خمینی، که عمده اشعار وی را در برمی‌گیرد، تنها یک بار از آن حضرت در معجزه «شق القمر» سخن به میان آمده است:

آنکه از جلوۀ رخسار چو ماهت پیش است

بسی گمان معجزه شق قمر باید کرد

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۷۹)

در دیگر قالب‌های شعری مانند قصیده و رباعی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بازتاب خاصی در سروده‌های امام خمینی یافته است:

احمد است از محمد مختار

که حمیدش نگاه‌دار بود

(پیشین، ص ۳۰۴)

فاطمی گل بوستان احمد باشد

فرزند دلاور محمد باشد

این عید سعید عید اسعد باشد

ملت به پناه لطف احمد باشد

بر پرچم جمهوری اسلامی ما

تمثال مبارک محمد باشد

(پیشین، ص ۲۰۶)

کیست در جمع رسل جز احمد

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی
کاتب وحی، وی از سوی احد

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ (سوره صف، آیه ۶)

گر تو آدم‌زاده هستی علم الاسماء چه شد

قاب قوسینت کجا رفته است او ادنی چه شد

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۹۲)

در سروده بالا که در غزلیات امام آمده، به نام حضرت محمد ﷺ تصریح نشده، ولی به سوره نجم اشاره دارد که درباره آن حضرت است.

﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى * فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى﴾ (سوره

نجم، آیه ۸-۱۰)

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ

شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (سوره احزاب، آیه ۴۰)

امام خمینی در قصیده بهاریه چنین می‌سراید:

ایزد به نامش زد رقم منشور ختم الاوصیاء

چونان که جدّ امجدش گردید ختم المرسلین

(امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۰)

یا رب به عمر و عزّتش افزای و جاه و حرمتش

کاحیا کنند از همّتش آیین خیر المرسلین

(پیشین، ص ۲۶۲)

وی در مسمّطی چنین می‌سراید:

مصطفی سیرت، علی فرّ، فاطمی عصمت، حسن خو

هم حسین قدرت، علی زهد و محمد علم مه‌رو

شاه جعفر فیض و کاظم حلم و هشتم قبله گیسو

هم تقی تقوا نقی بخشایش و هم عسکری مو

مهدی قائم که در وی جمع اوصاف شهان شد

حکم و فرمانش محکم، امر و گفتارش مسدّد

در خصایل ثانی اثنین ابوالقاسم محمد ﷺ

(پیشین، ص ۲۷۶-۲۷۷)

امام خمینی در بیت اخیر، حضرت قائم (عج) را «ثانی اثنین» حضرت

محمد ﷺ دانسته‌اند. واژه «ثانی اثنین» ترکیبی قرآنی است.

نتیجه

۱. امام خمینی رحمته الله علاوه بر جنبه‌های مختلف دینی، فقهی، عرفانی و سیاسی، به هنر شاعری نیز آراسته بوده و از شاعران بزرگ مانند حافظ و سعدی تأثیر پذیرفته است.

۲. استفاده از قصص قرآنی و داستان پیامبران از ویژگی‌های اشعار امام خمینی رحمته الله است. بیشتر غزلیات امام خمینی رحمته الله، درباره پیامبران و درباره حضرت آدم علیه السلام است و به حضرت محمد صلی الله علیه و آله کمتر پرداخته شده است و در قصاید و مسمط‌ها، حضرت محمد صلی الله علیه و آله جلوه بیشتری یافته است.

۳. امام خمینی این مضامین را با تصاویر زیبای شعری، استعاره‌ها و کنایه‌های نیک و بیان عرفانی، بسیار هنرمندانه بیان کرده است.

۴. در دیوان امام خمینی، به امامان معصوم، به ویژه امام زمان (عج)، توجه شده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، ۱۳۷۳، شرکت علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، دیوان اشعار، ۱۳۷۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
۴. حافظ، دیوان حافظ شیرازی، ۱۳۶۸، تصحیح: غنی و قزوینی، بی‌جا، اساطیر، چاپ دوم.
۵. حیرت سجادی، سید عبدالحمید، تأثیر قرآن بر نظم فارسی، ۱۳۷۱، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۶. سعدی، کلیات: ۱۳۷۱، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، طلوع، چاپ ششم.
۷. ——— گلستان، ۱۳۷۷، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ پنجم.
۸. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، ۱۳۷۲، تهران، اسلامی، چاپ اول.
۹. فروزانفر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، ۱۳۷۰، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.
۱۰. لاهیجی، شمس‌الدین محمد، شرح گلشن راز شبستری، ۱۳۷۱، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، نشر زوّار و سیمرغ، چاپ اول.
۱۱. مولوی، جلال‌الدین، مثنوی معنوی، ۱۳۷۲، تصحیح و شرح: استعلامی، تهران، نشر زوّار و سیمرغ، چاپ دوم.